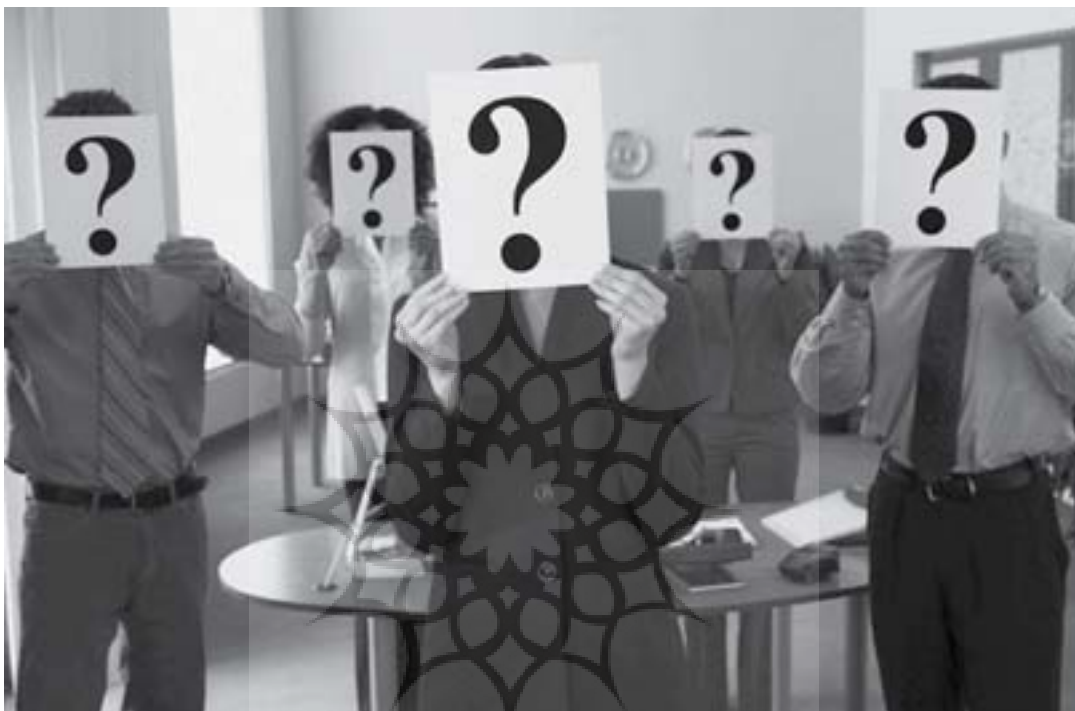


آسیب‌شناسی حضور چهره‌ها در رشته‌های غیرتخصصی



سروان زینب زاهدی

وقتی همه ، در همه رشته ها هنرمند می‌شوند



فرهنگی درآمد و متاسفانه در بسیاری از موارد نیز به چشم یک امتیاز و برتری به آن نگاه می‌شود. در حالی که در کشورهای پیشرفته و به عبارتی جهان اول نه تنها نوعی نقص به حساب می‌آید، بلکه موجب می‌شود فرد مورد نظر در شاخه‌های مختلف علمی و هنری چندان جدی گرفته نشود؛ چرا که در دنیای پیچیده و دقیق امروز وقتی که مثلاً برای جامعه‌شناسی خنده نیز رشته تحصیلی جداگانه‌ای در نظر می‌گیرند؛ یعنی یک فرد تمام تخصص، توان و امکانات خود را برای کسب مهارت و پیشرفت در لایه‌های پیدا و پنهان این رشته به کار می‌بندد و به عبارت دیگر در همان شاخه صاحب نظر و کارشناس است. اما این مساله در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه درست برعکس است. در اینکه خداوند استعداد و توانایی‌های گوناگون در افراد مختلف به ودیعه نهاده شکی نیست، اما تجربه

استدلال که مردم جهان سوم چون در بسیاری از تحولات اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کمتر دیده شده‌اند، از لحاظ روحی و روانی نتوانسته‌اند خود را آن گونه که می‌خواستند نشان دهند و بعضاً این کمپلکس‌های روحی به اشکال گوناگون جلوه خواهد کرد، اما در شرایط امروز جامعه ایران انگار این مساله جدای از علل و ریشه‌های آن، به صورت یک عادت

یکی از خصلت‌ها و ویژگی‌های بارز مردم سرزمین ما همه فن حریفی است

ایران مهد هنر و تمدن است. همه ما این جمله را بارها شنیده ایم و کم و بیش به آن باور داریم. وجود نام‌های بزرگی همچون حافظ، مولانا، کمال‌الملک و ... نیز این باور را در ما تقویت می‌کند. از طرف دیگر خیل عظیمی از مردم هنردوست ایران خود را شاعر می‌دانند و گرایش افراد مختلف به موسیقی، نقاشی، هنرهای تجسمی و عکاسی در کنار گسترش و اقبال مردم به کلاس‌های آموزشی موجب شده که بسیاری در زمینه هنر خود را صاحب نظر بدانند. اینکه مردم ما هنردوست و هنرمند باشند، هیچ اشکالی ندارد اما مساله اینجاست که در کنار این روحیه لطیف و طبع هنرپرور، یکی از خصلت‌ها و ویژگی‌های بارز مردم سرزمین ما همه فن حریفی است. هر چند جامعه‌شناسان معتقدند همه فن حریفی یکی از ویژگی‌های فرهنگی در میان جهان سومی هاست، با این

ثابت کرده نحوه ی استفاده از آن و لزوم گزینش یک زمینه خاص برای پرورش و شکوفایی، آینده ی بهتری را برای فرد رقم خواهد زد. هر چند هیچ کس نمی تواند و نباید از فعالیت افراد در زمینه های مختلفی که مایلند و توانایی آن را در خود می بینند جلوگیری کند. چه بسا یک فرد دارای قابلیت های بسیاری مثلا در ژانرهای مختلف هنری باشد. چنانچه فروغ فرخزاد شاعر نام آشنای معاصر در کنار شعر و شاعری به فیلم سازی، عکاسی و نقاشی نیز اهتمام می ورزید. اما مساله اینجاست که خود شخص از توانایی و استعداد ویژه اش آگاه باشد و در زرق و برق هنرهای گوناگون، حقیقت وجودی خود را گم نکند، چیزی که متاسفانه امروز به وفور در جامعه هنری ما به چشم می خورد. همان طور که گفته شد حضور یک هنرمند در عرصه های مختلف هنری به خودی خود اشکالی ندارد، اما اگر از نام و چهره و شهرت به دست آمده خود در طول سال ها برای ارائه و بروز آنچه که تنها به صورت یک علاقه و کسب رضایت درونی ست بهره های مادی و معنوی ببرد، آنجاست که مساله فرق می کند. هر چند ارائه کار خوب در چند شاخه هنری بسیار پسندیده است به ویژه اینکه هنر واقعی با تکرر نگاه و اندیشه، اجازه بروز خلاقیت را به افراد می دهد؛ اما متاسفانه امروز بسیار دیده می شود که هنرمندان از شهرت خود در میان مردم استفاده کرده و با وجود اینکه



ارایه کار خوب در چند شاخه هنری بسیار پسندیده است به ویژه این که هنر واقعی با تکرر نگاه و اندیشه، اجازه بروز خلاقیت را به افراد می دهد.

اذعان دارند که هنر دوم را تنها برای دلشان انجام می دهند، از عواید و مواهب به دست آمده به وسیله آن، بهره می برند. هر روز بر شمار هنرپیشگان و بازیگران سینما و تلویزیون که در رشته ای دیگر از جمله خوانندگی، نویسندگی، هنرهای تجسمی و عکاسی، ذوق و هنر خود را نه تنها امتحان کرده بلکه به منصفه ی ظهور و ارائه عمومی می گذارند، افزوده می شود و متاسفانه در اکثر موارد آثار ارائه شده توسط این افراد به زعم کارشناسان از استانداردهای لازم به دور بوده و به عبارت دیگر، چهره بودنشان به ارائه آثارشان کمک می کند و طبیعی است که در چنین شرایطی هنرمندانی که خاک یک هنر را خورده اند واکنش های مثبتی نسبت به این مساله نخواهند داشت. مثلا در همین هفته های اخیر نمایشگاه عکس هدیه تهرانی که از بازیگران توانمند و مطرح سینمای ایران است در خانه هنرمندان برگزار شد. نمایشگاهی که با حرف و حدیث های بسیاری همراه بود، از ادعای وام ۲۲۰ میلیونی که سازمان میراث فرهنگی پرداخت کرده گرفته تا حضور رحیم مشایی، معاون رئیس جمهور و انتقادهای فنی و غیرفنی افراد مختلف از آثار ارائه شده. زنده یاد بهمن جلالی از پیشکسوتان عکاسی که بسیاری از عکاسان جوان امروز از شاگردان او بوده اند در آخرین ماه های زندگی خود در این مورد با حمایت از ورود افراد جدید به هنر و حرفه عکاسی در جواب عکاسان به نمایشگاه عکس هنرپیشه های چهره معتقد بود: «عزیزان من دنیا و معیارهای آن عوض شده است. باور کنید که همه عکاس اند، اگر می توانید ماحصل کارشان

را نقد کنید زیر سوال بردن خودشان کسی را به جایی نمی رساند. هر کس دوربین خرید، موبایل داشت و عکس گرفت، کار بسیار خوبی می کند. عکس خوب بگیرد، عکاس خوبی است، عکس بد بگیرد عکسش را باید نقد کرد.» در عین حال جلالی همواره از حمایت های دولتی تبعیض آمیز از برخی افراد گله داشت و معتقد بود که مثلا حمایت سازمان میراث فرهنگی از نمایشگاه عکس هدیه تهرانی که هیچ سختی با میراث فرهنگی ندارد جای سوال است و اینکه باید این امکان را برای همه هنرمندان به ویژه آنهایی که سال ها در رشته عکاسی زحمت کشیده اند، فراهم آورد و مساله درست همین جاست که حضور چهره های نامی سینما و تلویزیون و حمایت های بی برنامه و کارشناسی نشده ارگان های دولتی، صاحبان گالری ها و ... سرخوردگی هنرمندان فعال در رشته مورد نظر را به همراه نداشته باشد. زیرا مثلا همین نمایشگاه در شرایطی در خانه هنرمندان برگزار شد و تعدادی از آثار آن نیز با قیمت های گزاف به فروش رفت که حتی بسیاری از عکاسان قدیمی امکان برپایی نمایشگاهی از آثارشان را در خانه هنرمندان ندارند. ضمن اینکه باید کیفیت آثار ارائه شده را نیز از یاد نبرد و جایگاه حقیقی هنر را نیز حفظ کرد. درست مثل اینکه فردی به واسطه روابط سیاسی و بیرون از حوزه هنر در سینما به نقش اول و چهره ی روز سینما تبدیل شود و دستمزدهای بالا بگیرد. در آن زمان هنرپیشگان با تجربه و توانمند چه احساسی خواهند داشت؟ شاید بهتر باشد که چهره های مطرح و نام آشنا در جهت حمایت از هنر و هنرمندان دیگر به جای برپایی نمایشگاه های مختلف، طرفدارانشان را به بازدید از نمایشگاه آثار هنرمندان گمنام ولی حرفه ای و کاربلد دعوت کنند و مثلا یک روز خاص را برای حضور خود در نمایشگاه مدنظر اعلام کنند تا به این وسیله بهترین بهره ی ممکن از شهرتشان را در راستای تعالی هنرهای گوناگون نصیب خود و جامعه ی هنری نمایند. هر چند رضا کیانیان، بازیگر سرشناس سینما که او نیز در این سال ها فعالیت های مختلف را در زمینه هنر تجربه کرده معتقد است که حمایت سازمان های دولتی از بازیگران در رشته های دیگر به خاطر هنر آنهاست نه به دلیل چهره بودنشان، ولی آیا واقعا چنین است؟ باید منصف و واقع بین بود.